



عکس: ایسنا

تولید می‌شود، تولید به میزان ۶۷ درصد منفی شده و یک‌باره چنین اثر منفی در اقتصاد ایجاد می‌شود. البته در همان سال می‌بینید یکی از بخش‌هایی که به شدت آسیب می‌بیند، بخش خدمات است که در بخش حمل‌ونقل به‌صورت مفصل تحلیل کردم.

در سال ۶۱، با اینکه جنگ و مشکلات آن به قوت خود باقی بود اما چون تحریم مقداری نفت بر طرف شد، رشد بخش نفت ایران ۱۲۸ درصد می‌شود. رشد اقتصادی نیز به ۲۳ درصد می‌رسد. منفی‌ترین عدد رشد در اقتصاد ایران در ۴۰ سال گذشته به سال ۵۹ برمی‌گردد که تحریم مقداری نفت وجود داشت. بالاترین رشد نیز مربوط به سال ۶۱ است که تحریم‌ها برداشته شد. آیا در فاصله این دو سال به لحاظ سطح عملکرد تولید، فرقی بین سال‌های ۵۹ و ۶۱ وجود دارد؟ وقتی از عدد ۱۰۰ به ۳۳ می‌رسید، رشد ۶۷ درصد می‌شود، حالا وقتی این ۳۳ واحد، تبدیل به ۷۰ شود، رشد بخش نفت ۱۲۸ می‌شود اما عملکرد تولید هنوز به ۱۰۰ واحد نرسیده است. یعنی به لحاظ عملکرد، از دو سال گذشته عقب‌تر هستید. آیا

کسانی هستند که مدعی باشند در سال ۶۱ به خاطر اتخاذ سیاست‌های مناسب و تنش‌زدایی و... کشور از رکود خارج شد؟ واقعیت این است که در سال ۶۱ به خاطر برطرف شدن بخشی از تحریم‌ها، رشد ۲۳ درصدی به دست می‌آید. حتی اگر عدد حدود ۳ درصدی رشد اقتصادی سال ۱۳۹۳ درست هم باشد، اتفاق خاصی نیفتاده است. چرا که صادرات نفت و مبيعات ما از حدود دو میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه به یک میلیون بشکه کاهش یافت، حالا کافی است این یک میلیون بشکه

به یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه برسد. این اتفاق اگرچه در رشد اقتصادی ما تأثیرگذار خواهد بود، اما باز هم فاصله زیادی تا عملکرد دو میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه وجود دارد. بر اساس اطلاعاتی که دوستان دولت یازدهم منتشر کرده‌اند در نیمه اول سال ۹۲ کاهش تولید نفت ادامه داشته و پایه تولید کمتر شده است. لذا وقتی شما سال ۹۳ را با پایه پایین‌تری می‌سنجید، رشد نیز خودش را بیشتر نشان می‌دهد که دوباره تأکید می‌کنم این به منزله خروج از رکود نیست. مورد دوم این است که اگر دقت کنید:

۱- بخش نفت، بهبود جزئی پیدا کرده است. بالاخره وقتی ما انرژی هسته‌ای را تعطیل و خیلی از شروط طرف مقابل را می‌پذیریم آنها نیز به ما اجازه می‌دهند نفت بیشتر بفروشیم، در نتیجه مسائلی مثل حمل‌ونقل که ارتباط مستقیمی با افزایش فروش نفت دارد بهبود جزئی پیدا می‌کند، اما هنوز این ظرفیت خالی وجود دارد. از طرفی چون در دریافت پول همین نفت‌های فروخته شده مشکلاتی

وجود دارد، با اینکه روی میزان رشد اقتصادی اثر مثبتی دارد اما بر منابع درآمدی و بودجه اثر کمتری می‌گذارد. در مثالی دیگر می‌توان گفت: «صادرات ما در بخش نفت و ميعانات از حدود دو ميليون و ۶۰۰ هزار بشکه به حدود یک میلیون بشکه رسید، یعنی حدود ۶۰ درصد کاهش در سال و اگر تحریم‌ها کاملاً برطرف شود و تولید دوباره به دو میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه برسد بدون هیچ‌گونه سیاستگذاری اقتصادی

و فقط بر اثر برطرف شدن یک محدودیت سیاسی عدد رشد کشور افزایش فوق‌العاده‌ای البته فقط برای یک‌سال پیدا کرده اما عملکرد، بهبود چندانی نسبت به گذشته پیدا نخواهد کرد.

۲- درسی که من از مطالعه رشد اقتصادی ایران گرفتم این است که همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند: ما نباید اقتصادمان را به نفت گره بزنیم.

آنها هنگام نهضت ملی شدن نفت در دهه ۱۳۳۰ با همین حربه به کشورمان لطمه زدند. وقتی در سال ۵۷ انقلاب اسلامی پیروز می‌شود

طولی نمی‌کشد که دشمنان سراغ تحریم اقتصادی می‌روند و با تحریم‌ها، رشدهای اقتصادی منفی را به ما تحمیل می‌کنند. در مقطعی دیگر وقتی در کشور ما یک انقلاب علمی شکل می‌گیرد و جمهوری اسلامی ایران تصمیم دارد در دانش هسته‌ای پیشرفت کند آنها دانشمندان هسته‌ای ما را ترور می‌کنند و وقتی می‌بینند این ترورها جواب نمی‌دهد، باز سراغ تشدید تحریم اقتصادی می‌روند. این نشان می‌دهد که ما از این ناحیه آسیب‌پذیر هستیم و اقتصادمان مقاوم نیست.

وقتی در سال ۵۹ تحریم شدیم رشد، ۲۳- درصد می‌شود. سال ۶۰ در حالی که تحریم‌ها هنوز وجود داشته، رشد کشور ۵- درصد می‌شود. چرا که شوک تحریمی سال ۱۳۵۹ در سال ۱۳۶۰ تکرار نشده است، لذا عدد رشد، بهبود یافته اما عملکرد نه تنها بهتر نشده بلکه بدتر نیز شده است. اما سال ۱۳۶۱ با رفع تحریم‌های نفتی، یک‌باره رشد ۲۳ درصد می‌شود که البته سال بعد به شدت افت می‌کند.

لذا من در خصوص سال ۹۳ معتقدم اگر صرفاً شاخص رشد را در نظر بگیریم، مثبت شدن رشد اقتصادی ایران در این شرایط طبیعی است. اما اگر این مثبت شدن رشد را به بهبود عملکرد تعبیر و آن را به سیاستگذاری اقتصادی و مدیریت مربوط بدانیم اشتباه است. در یک قضاوت کارشناسی باید گفت: «حاصل نچرخیدن سانتریفیوژهای ما این شده است که موانع سیاسی جدیدی در رابطه با غرب برای اقتصاد ایران ایجاد نشود.» اقتصاد ایران از منظر نفت در اقتصاد جهانی ادغام شده و از این منظر بسیار آسیب‌پذیر است. بنابراین باید به فکر رفع این مشکل بنیادین و استحکام اقتصاد خودمان باشیم. اگر خاطرتان باشد اواخر دولت دهم من در یک سخنرانی به این موضوع اشاره کرده و گفتم: «تحریم‌ها باعث شده

است مشکلات ساختاری اقتصاد ایران بیش از گذشته خود را نشان بدهد.» ما باید بپذیریم ساختار اقتصاد ایران آسیب‌پذیر بوده و یکی از کانال‌های آسیب‌پذیری آن نفت است.

اگر بخواهیم سال‌های ۹۰ تا ۹۲ را با سال‌های ۵۹ تا ۶۱ شبیه‌سازی کنیم نتیجه می‌گیریم غربی‌ها تحریم نفتی ایران در آن مقطع درس گرفته و با آموخته‌های خود فشار شدیدی را به ایران اعمال کردند. برای مثال در آن مقطع، اگر چه نفت ایران به لحاظ مقداری تحریم شد، اما نتوانستند شبکه پولی بانکی ما را تحریم کنند، در نتیجه کمبود مقداری نفت باعث شد قیمت نفت بالا رفته و آنها مجبور به عقب‌نشینی شوند. اما در این دوره با هوشیاری ابتدا بانک مرکزی را تحریم کردند، به طوری که ابتدا نفت فروخته می‌شد و لذا شوک کمتری به بازار نفت وارد شد. هنوز هم آنها با این سیاست جلو می‌روند. به‌دلیل تعادل و حتی مزاد تولید در بازار نفت به لحاظ مقداری امتیاز بیشتری به ایران دادند اما به لحاظ بانکی گشایش چندانی صورت نگرفته و فشار روی بازارهای مختلف ایران همچنان پابرجاست. فروش بیشتر نفت ایران به کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی می‌انجامد و این امر در کنار مضیقه بانکی مانع از سرریز درآمد نفتی به کشور می‌شود. لذا آنها در فرایند تشدید تحریم‌ها، تحریم بانک مرکزی و بانک‌ها را بر تحریم مقداری خرید نفت تقدم دادند. در کاهش تحریم‌ها نیز، خرید بیشتر نفت را بر کاهش تحریم‌های بانکی تقدم می‌دهند. یعنی منفعت خود را حداکثر و عایدی ما را به حداقل می‌رسانند.



جالب است بدانید

سال ۵۹، سالی است

که خرید نفت ایران

به لحاظ مقداری

توسط امریکایی‌ها

تحریم می‌شود.

وقتی ما از اثر نفت در

اقتصاد ایران صحبت

می‌کنیم خیلی‌ها

نگاه‌شان به اثر

درآمدی آن معطوف

می‌شود. من می‌گویم

این اثر، غیرمستقیم

است و مهم‌تر از آن

اثر مستقیم مقدار

تولید نفت است.

چون وقتی رشد

اقتصادی را حساب

می‌کنند، این محاسبه

بر اساس میزان بشکه

نفت‌هایی است که

تولید می‌شود، نه

بر اساس قیمتی که

فروخته می‌شود.

برای همین باید به

اصطلاح، تورم‌زدایی

شده و به تولید

حقیقی حساب کنند.

لذا وقتی یک‌باره

در بخش نفت به

جای ۱۰۰ بشکه، ۳۳

بشکه تولید می‌شود،

تولید به میزان ۶۷

درصد منفی می‌شود

و یک‌باره چنین اثر

منفی در اقتصاد ایجاد

می‌شود



برش

غربی‌ها نتوانستند شبکه بانکی را تحریم کنند

اگر بخواهیم سال‌های ۹۰ تا ۹۲ را با سال‌های ۵۹ تا ۶۱ شبیه‌سازی کنیم نتیجه می‌گیریم غربی‌ها از تحریم نفتی ایران در آن مقطع درس گرفته و با آموخته‌های خود فشار شدیدی را به ایران اعمال کردند. برای مثال در آن مقطع، اگرچه نفت ایران به لحاظ مقداری تحریم شد، اما نتوانستند شبکه پولی بانکی ما را تحریم کنند، در نتیجه کمبود مقداری نفت باعث شد قیمت نفت بالا رفته و آنها مجبور به عقب‌نشینی شوند. اما در این دوره با هوشیاری ابتدا بانک مرکزی را تحریم کردند، به طوری که ابتدا نفت فروخته می‌شد و لذا شوک کمتری به بازار نفت وارد شد. هنوز هم آنها با این سیاست جلو می‌روند. به‌دلیل تعادل و حتی مزاد تولید در بازار نفت به لحاظ مقداری امتیاز بیشتری به ایران دادند اما به لحاظ بانکی گشایش چندانی صورت نگرفته و فشار روی بازارهای مختلف ایران همچنان پابرجاست.

● در سال ۹۲ که دولت دهم

را تحویل دادید، میزان فروش

مقداری نفت چقدر بود؟

فکر می‌کنم حدود یک میلیون و ۱۰۰هزار بشکه بود. بدترین وضعیت کشور در فروش نفت به خرداد و تیر ۹۱ بازمی‌گردد که حتی در مقطع کوتاهی به زیر ۸۰۰ هزار بشکه در روز نیز رسید. البته وزارت نفت در مدت کوتاهی توانست بخش قابل توجهی از آن را اصلاح کند.

● طبق آمارهای غیررسمی

صادرات نفت ایران، در حدود

۱۰۰۰ روز مدیریت دولت حسن

روحانی به رقم یک میلیون و

پانصد هزار بشکه در روز می‌رسد.

فروش نفت به این میزان، بعد

از اجرای برنامه رخ داده است.

شما این روند را مثبت ارزیابی

می‌کنید؟

نکته حائز اهمیت این است که چه مقداری از پول نفت فروخته شده دریافت می‌شود. به هر حال اولویت دولت‌ها با هم فرق می‌کند. وقتی اولویت‌ها تغییر کند طبعاً معیارهای ارزیابی هم متفاوت می‌شود. باید تفاوت بین این دولت با دولت قبل را بپذیریم. در دوره قبل اولویت این نبود که به خاطر تحریم‌های اقتصادی تغییر ماهوی یا توقف در صنعت هسته‌ای رخ دهد.

در گذشته آنها این پیشنهاد را مطرح می‌کردند که تحریم‌های جدیدی وضع نشود اما تیم مذاکره‌کننده حاضر به دادن ماهه‌آزای به مراتب کمتری نسبت به امتیازات داده شده توسط دولت یازدهم بود؛ یعنی تا آنجا که من در جریان هستم

غربی‌ها همیشه این پیشنهاد را روی میز داشتند که اگر شما فعالیت‌های صنعتی‌تان در بخش هسته‌ای را متوقف کنید ما نیز تحریم‌های جدیدی علیه شما وضع نمی‌کنیم. به فرض آن زمان نماینده مذاکره کننده ایران قریب به مضمون می‌گفت: «خیر، نه تنها شما نباید تحریم‌های جدیدی وضع کنید بلکه باید این تحریم‌ها را قطع کنید. در عوض ما نیز حاضریم تا میزانی با شما همکاری کنیم» اما ظاهراً در مذاکرات ژنو به گونه‌ای شده که ما پذیرفته‌ایم فعالیت‌های هسته‌ای‌مان تقریباً متوقف شود و در مقابل آنها پذیرفته‌اند تحریم‌های جدید علیه ما وضع نکنند. ضمن اینکه آنها تفسیر کرده‌اند منظور از تحریم‌های جدید به این معنی نیست که از پتانسیل تحریم‌های موجود استفاده بیشتر نشود.

یکی از مواردی که در دولت احمدی‌نژاد مورد ابهام زیادی قرار دارد ایجاد شغل است. برخی، اعداد و ارقامی را درباره ایجاد اشتغال در دولت احمدی‌نژاد مطرح می‌کنند که جای تأمل دارد. شما درباره اظهارات مسعود نیلی مشاور حسن روحانی توضیح دادید، لطفاً کمی هم درباره ابهامی که شخص حسن روحانی درباره اشتغال صفر درصدی در دولت احمدی‌نژاد عنوان کرده هم توضیح دهید. حسن روحانی در ادعایی اذعان کرده است که در هشت سال مدیریت محمود احمدی‌نژاد هیچ اشتغالی ایجاد نشده است.

هر آماری که مرکز آمار ایران درباره ایجاد اشتغال اعلام کرده است من همان را قبول دارم. دوباره تأکید می‌کنم چه قبل از وزارت، چه در حین وزارت و چه امروز، ضعف و کاستی‌هایی در نظام آماری ایران می‌بینم، به طور مثال می‌دانم اختلاف فاحشی بین آمار مرکز آمار ایران با آمار بانک مرکزی وجود دارد. برخی از این اختلاف‌ها قابل فهم و موجه است. مثلاً ترکیب کالاها، سال پایه و...

که مرکز آمار یا بانک مرکزی برای محاسبه تورم استفاده می‌کنند با هم متفاوت است. اما برخی از اختلافات توجه‌پذیر نبوده و نمی‌توانیم این تفاوت‌های فاحش را بپذیریم. با همه این تفاسیر معتقدم: آمارهای مراجع رسمی خودمان، بسیار قابل اتکا تر از آمارهایی است که نهادهای بین‌المللی یا برخی نهادهای خارجی منتشر می‌کنند. ضمن اینکه آمار مراجع رسمی از بنیه بسیار بالتری نسبت به ادعای یک کارشناس برخوردار است. حرف من به این معنا نیست که ما نظرات کارشناسان را مطالعه نکنیم بلکه می‌گویم: در خصوص تحلیل اشتغال یا تحلیل بیکاری و... آمار اعلامی مرکز آمار ملاک عمل است. بر اساس آماري که دارم نرخ مشارکت در سال ۹۰، ۳۶٫۹ درصد بوده اما در سال ۹۱ به ۳۷٫۷ درصد رسیده است. در مقابل نرخ بیکاری در سال ۹۰، ۱۲٫۳ درصد بوده که در سال ۹۱ به ۱۲٫۲ درصد کاهش یافته است. آنچه مقامات سیاسی دولت یازدهم در خصوص اشتغال‌زایی در دولت قبل اعلام می‌کنند مغایر آمارهای رسمی است که مراکز آماری اعلام کرده‌اند.

● آیا رابطه‌ای میان نرخ بیکاری

و نرخ رشد اقتصادی وجود دارد؟

این حرف که افزایش یک درصدی

رشد اقتصادی، چند صد هزار

شغل ایجاد می‌کند درست است؟

بین رشد اقتصادی و اشتغال رابطه وجود دارد اما سؤال من این است: آیا رشد اقتصادی متأثر از کاهش بخش نفت به دلیل تحریم با رشد اقتصادی متأثر از یک چرخه رکودی فراگیر یکسان است؟ ۲۰ تا ۲۵ درصد از رشد اقتصادی ما مستقیم به نفت وابسته است اما چنین درصدی از اشتغال ما در کشور به نفت وابسته نیست. در نتیجه بین این دو نرخ قطعاً رابطه وجود دارد اما این یک رابطه متقارن نبوده و محاسبه آن به این سهولت نیست. ضمن اینکه باید عملکرد تولید اقتصادی را با بیکاری سنجید و بعد از آن به تجزیه رشد بپردازیم؛ یعنی در ابتدا باید بررسی کنیم این تغییرات رشد متأثر از کدام بخش‌ها هستند. در مرحله بعد باید تحلیل جامعی از بازار کار داشته باشیم و بدانیم بیکاری، فقط متأثر از طرف تقاضای نیروی کار که متأثر از تولید و رشد است نیست، بلکه باید عرضه نیروی کار، تحولات جمعیتی و مسائل مربوط به نرخ مشارکت در کنار یکدیگر تحلیل شوند. لذا معتقدم این تحلیل‌ها، تحلیل‌های دقیق و قابل‌انکابی نیستند. اگرچه بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ بیکاری رابطه وجود دارد اما باید پذیرفت این رابطه، یک رابطه خطی و ثابت نیست.